



بررسی آسیب شناسانه ی عرفان‌های نوظهور مبتنی بر طرح جامعه شناسی انتظار با رویکرد ایثار و شهادت

مجتبی فرهادی محلی، محسن فرهادی محلی، سارا اسمعیلی

M_farhadi71@yahoo.com

چکیده

دنیا در قرن کنونی به دلیل پیشرفت علم و تکنولوژی به سمت مادی‌گرایی سوق پیدا کرد ولی این روند کم کم به بن بست ختم شد و هم اکنون مردم اشتیاق زیادی به مسائل متافیزیک و ماوراء جهان ماده دارند. امروزه عرفان‌های نوظهور (کاذب) ادعا می‌کنند برای پاسخگویی به فطرت معنویت خواه انسان و حل بحران معنویت عصر حاضر، ظهور کرده‌اند و توان حل مشکلات روحی، روانی و ارضای فطرت معنوی او را دارند؛ بدین ترتیب مخاطبان بسیاری را به سوی خود جذب کرده‌اند. از طرفی همراه با ارائه افکار و عقاید باطل و فریبنده سعی می‌کنند فطرت پاک جوانان را آلوده به هواهای نفسانی کرده و زمینه‌ی انحراف‌شان را فراهم کنند و از آنجا که ظهور منجی و اندیشه انتظار، یکی از کهن ترین عقاید مذهبی است که منجر به تصور مدینه فاضله برای پاک سرشتان مسلمان می‌شود، پادزهری بی نظیر برای این ویروس بشریت است. جامعه شناسی انتظار با شاخصه‌هایی که برای زمینه سازی ظهور موعود (عج) دارد، توان پاسخ گویی به فطرت معنویت خواه انسان‌ها را دارد. لذا با بررسی علمی- ترویجی به این مباحث نظری- معرفتی، نگارندگان این مقاله در صدد هستند که بیان کنند این جامعه شناسی انتظار است که می‌تواند با ترویج مفاهیم ناب خود خصوصاً تقویت روحیه ایثار و شهادت و توصیه به عملکرد آن، پیش گیرنده از نفوذ عرفان‌های نوظهور در جامعه اسلامی شود تا ما شاهد غایتی انسانی در جامعه بشری باشیم. رسالت جامعه شناسی ای که باید در صف ابتدایی زمینه سازی جامعه ای عاری از انحرافات دینی گام بردارد تا مردم در پناه حکومت حضرت مهدی (عج) به آرامش معنوی برسند؛ جامعه شناسی "انتظار" است.

کلمات کلیدی: ایثار و شهادت، جامعه شناسی انتظار، عرفان‌های کاذب، انتظار، آسیب شناسی.



مقدمه

اعتقاد به ظهور منجی در برخی از ادیان به عنوان وجه مشترکی است که پیوند آنها را با زندگی بیشتر می‌سازد. در طول تاریخ تمام ادیان در پیوند با اندیشه ظهور منجی، رشادت‌ها و دلیری‌های بی‌شماری انجام داده و می‌دهند در جهان امروز بشریت متوجه شده که نیازهایی فراتر از نیازهای مادی دارد که با تکیه بر تکنولوژی پاسخ داده نمی‌شود لذا با اشتیاق زیادی به دنبال چیزی است که جوابگوی نیازهای روحی‌اش باشد، برای همین به مسائل عرفانی گرایش پیدا کرده است و از آنجا که ما در عصر بازگشت انسان به معنویت یا بازگشت معنویت به زندگی بشر بسر می‌بریم، اما نگاهی به روند شتاب‌زده و گسترده معنویت‌گرایی که چند دهه پیش از عمر آن نمی‌گذرد، به وضوح نشان می‌دهد که با پدیده انفجار معنویت روبرو هستیم. در واقع یکی از مشخصه‌های جامعه امروز که جامعه شناسان دین مانند دورکیم و وبر بسیار به آن اشاره کرده‌اند، این است که دین دیگر نمی‌تواند مانند دوره‌های پیشین موقعیت خود را در میان نهادهای اجتماعی حفظ کند. دین با سرعت در حال تبدیل به حرفه‌ای تفننی شده که ممکن است محرمانه و شخصی، انفرادی و یا به گفته لاکمن نامرئی شود (البته این عقیده همچنان از جانب بزرگان و پژوهشگران امر دینی، قابل‌خداست). که این امر ضرورت حضور دین در کنار بشر را گوشزد می‌کند [۱۱] حال کمی با تاریخچه‌ی این انفجار (معنویت) که در دهه ۱۹۶۰ جنبش‌های دانشجویی تمام اروپا و آمریکا را فرا گرفت، آشنا می‌شویم در این جنبش‌ها جوانانی که با ارزش‌های سرمایه‌داری و نظام تمدن مدرن راضی نشده احساس سرخوردگی و ناکامی می‌کردند دست به شورش‌های خیابانی زدند، در گیرودار همین جنبش‌ها بود که معنویت‌های نوظهور جوانه زد، و مفاهیمی نظیر عشق، تجربه جهان نامرئی، شیطان، ماری‌جوانا، ال‌اس‌دی و غیره وارد فرهنگ جوانان غربی شد. «به نظر می‌رسد واژه‌ی جنبش‌های نوپدید دینی» که از آن میتوان به عرفانهای نوظهور هم یاد کرد اولین بار در ژاپن مورد استفاده قرار گرفته است. همزمان با آزادی عقیده در غرب و ازدیاد تعداد انتخاب‌ها و گزینش‌های دینی این جنبش‌ها گسترش پیدا کردند مثلاً در آمریکا در زمان حال به حدود دو هزار فرقه یا گرایش رسیده است. در به کارگیری کلمه بعضی اعتقاد دارند که عرفان مورد استفاده در دین ما، با کاربرد آن در سایر ادیان تفاوت دارد و آنها را به عرفان معنوی و سکولار تقسیم می‌نمایند. از آنجا که جنبش‌های نوپدید دینی نیز به نوعی ریاضت را توصیه می‌نمایند، می‌توان گفت که بین ریاضت‌های دینی و غیر دینی تفاوت وجود دارد. دکتر حمزه شریفی دوست که از محققین در زمینه‌ی عرفان‌های نوظهور است با بیان این‌که عرفان‌های نوظهور با تخریب و نفوذ در افکار و عقاید مردم آسیب‌های جدی به حیات معنوی آنها می‌زند، گفت: در حال حاضر چهار هزار عنوان کتاب در تبلیغ و ترویج عرفان‌های نوظهور به زبان فارسی موجود است. این در حالی است که کمتر از چهار عنوان کتاب در نقد کتاب‌های عرفان‌های نوظهور داریم و این زنگ خطری برای مسوولان کشور محسوب می‌شود [۵] با توجه به اینکه شاهد بروز فرقه‌های نوظهور معنوی در سطح کشور هستیم، باید گفت در این فضای مه‌آلود معنوی ما باید هوشیاری لازم را در خود داشته باشیم تا مبتنی بر روحیه‌ی استشهاد و ایثارگری فراهم‌کننده‌ی مقدمات و زمینه‌سازی ظهور حضرت حجت را رقم بزنیم که طی این مقاله هدف ما شفاف‌سازی فضای معنوی و محمدی (عرفان حقیقی) و کنارزدن عرفانهای کاذب است و استنباط ابطال آنهاست

روش تحقیق



روش تحقیق اساسی ترین مقوله پژوهش است. چنانچه روش متناسبی با موضوع پژوهش انتخاب شود، کار تحقیق سریع تر و مطمئن تر انجام می شود. موضوع «روش» و «روش‌شناسی» در علوم جایگاه ویژه‌ای دارد؛ زیرا اگر انسان بتواند این روش‌ها را برای دستیابی به حقیقت درست شناسایی کند، به یقین کامل تر و سریع تر می‌تواند به این حقیقت دست یابد. دستیابی به هدفهای علم با شناخت علمی میسر نخواهد بود، مگر زمانی که با روش‌شناسی^۱ درست صورت پذیرد و با توجه به اینکه یکی از مولفه‌های اصلی در علمی خواندن یک تحقیق، استفاده از روش‌های علمی برای انجام تحقیق است؛ نیز؛ پژوهش حاضر هم از این قاعده مستثنی نیست به طور کل باید گفت که این پژوهش در زمره تحقیقات روشی (اکتشافی - تجربه‌ای - کتابخانه‌ای) صورت پذیرفته است و با جمع‌آوری اسناد (کتب و نشریات و مقالات و ...) متعدد و مقایسه‌ی تطبیقی هر یک از آنها و تحلیل محتوای این آثار؛ تحقیقی علمی - ترویجی با عنوان مذکور نگاشته شده است.

ردیف	عنوان پژوهش	پژوهشگر یا پژوهشگران	سال	نتیجه
۱	رهزنان دین : آسیب شناسی دین و دینداری در نهج البلاغه	مصطفی دلشاد تهرانی	۱۳۷۹	آنچه در این کتاب مطرح شده نمونه‌هایی از دغدغه بسیار و غیرت و حمیت امام حسین (علیه السلام) برای اصلاح وضع نابسامان امت اسلام و برگرداندن و احیای اصول و ارزش‌های گران قدری بود که از بین رفته و از جامعه اسلامی رخت بر بسته بود. گاهی دین و دین‌داری به لحاظ عدم رویکرد و توجه عمیق به دین و سطحی نگری و قشری‌گرایی در دین، دچار آسیب و آفت می‌گردد.
۲	درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب	احمدحسین شریفی	۱۳۸۷	کتاب درآمدی بر عرفان‌های حقیقی و عرفان‌های کاذب در شش فصل تهیه و تدوین شده است که فصل اول به بررسی کلیاتی در مورد عرفان اصیل پرداخته شده است و فصل دوم این کتاب شاخصه‌های عرفان حقیقی بررسی شده است و فصل سوم با موضوع "مشخصه‌های عرفان حقیقی" است. فصل چهارم "شاخصه‌های عرفان کاذب" و فصل پنجم "مشخصه‌های عرفان کاذب" و در فصل آخر "سیاست‌مداران، معنویت‌های کاذب و ..." بررسی شده است.
۳	جریان شناسی انتقادی	حمیدرضا مظاهری سیف	1387	نویسنده در این تحقیق سعی کرده است در گام اول، نظام فکری و پیام عمده جریان‌های عرفانی را جمع‌بندی کند و در گام دوم، نقاط غیر قابل دفاع در مبانی یا نتایج سوء فردی و اجتماعی آموزه‌های آنان را برای مخاطب تبیین کند.
۴	بررسی عوامل اجتماعی دانشجویان دانشگاه تهران	زین العابدین جعفری	۱۳۸۷	در این پژوهش سن دانشجویان که با جنبش‌های دینی جدید رابطه معکوس دارد که زنان، دانشجویان نیمه وقت، دانشجویان لر و ترک، دانشجویان رشته هنر و نیز دانشجویان طبقه بالا بیش از سایر دانشجویان به این جنبش‌ها گرایش دارد.

¹methodology



			به جنبش های دینی جدید	
دکتر وکیلی هدف اصلی تدوین این مجموعه را بدین صورت یادآور شد: از پدیدار شدن این جریانات جدید حدود شش تا هفت دهه در جهان می‌گذرد وی برجای گذاشتن دسته‌ای از اضطراب‌ها را از نتایج گسترش آموزه‌های ادیان و عرفان‌های سکولار نظیر آموزه‌های اوشو دانست .	1388	هادی وکیلی و آزاده مدنی	اوشو؛ از واقعیت تا خلسه	۵
با توجه به رواج گسترده انواع و اقسام کیش‌ها و نحله‌های مدّعی عرفان و معنویت در جامعه ما و روی آوردن هزاران جوان جویای معنویت به این فرقه‌ها، نویسنده کتاب حاضر درصدد بوده به صورتی جامع و تحلیلی، به معرفی و بررسی عقاید و افکار آنها و پدیدآوردن‌گانشان نظری افکننده، اصول اخلاقی آنها را در معرض قضاوت منصفانه خوانندگان گرامی کتاب بگذارد.	۱۳۸۹	محمد تقی فعالی	آفتاب و سایه‌ها: نگرشی بر جریان‌های نوظهور معنویت‌گرا	۶
پرسش‌های جوانان درباره رابطه دین و عرفان، مدرنیسم، علم و عقل در کتاب «دین در نگاهی نوین» پاسخ داده شده‌اند. این کتاب بخشی از طرح آموزش دانشجویی «ولایت» است که طی آن سئوالات جوانان گردآوری شده، به اصلی‌ترین آنها پاسخ داده می‌شود	۱۳۸۹	ابوالفضل ساجدی مهدی مشکی	دین در نگاهی نوین	۷
یکی از پدیده‌هایی که سال‌هاست در کشور ما در حال گسترش است، فرقه‌های گوناگون که با پوشش عرفان و معنویت به جذب گروه‌های مختلف جامعه به ویژه جوانان پرداخته‌اند. این فرقه‌ها با نام و سخنان فریبنده و پر زرق و برق و با استفاده از دستگاه‌های اطلاع‌رسانی پیشرفته امروزی همچون اینترنت و ماهواره به تبلیغ خود پرداخته و گروه‌هایی از مردم نیز بدون هیچ‌گونه تحقیق و آگاهی جذب آن‌ها می‌شوند	۱۳۹۰	محمد مهدی کافی	قبیله حیل	۸
طی این پژوهش این نتیجه بدست آمده که جوان ما فطرتاً دین‌گریز نیست و بالعکس خیلی هم متمایل به دین و تشنه راه سعادت حقیقی و تشنه دریافت علوم دینی است که با وجود مخالفان دین و معنویت این روند کند می‌شود که برای خنثی کردن آن فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه باید به اجرا در بیاید .	۱۳۹۰	مسلم شاهرخی سعدالله هاشمی فریده حمیدی	عوامل دین گریزی در جوانان: چالش‌ها و راهکارها	۹
در این کتاب ابتدا به تاریخچه‌ی اصطلاحات در پیرامون جنبش‌های نوپدید دینی می‌پردازد سپس به چالش‌هایی که این جنبش‌ها بوجود می‌آورند، می‌پردازد و راه		Eileen barker	New religious	۱۰



حَل آن آشنایی با این جنبش ها قبل از فرو رفتن در مشکلات ناشی از آن است که بخوبی آن را شرح میدهد.	۱۹۹۱		movement	
-------------------------------------------------------------------------------------------------	------	--	----------	--

پیشینه پژوهش و نتیجه

چارچوب مفهومی:

عرفان حقیقی:

واژه عرفان و معرفت از نظر لغوی به معنای "شناختن" می باشد اما در اصطلاح متفاوتند. "معرفت" هر نوع شناختی را شامل می شود، اما "عرفان" شناخت ویژه ای است که از راه شهود درونی و دریافت باطنی حاصل می شود. البته شناخت های شهودی فراوانند، اما همگی عرفان نیستند. [۶]

در طول تاریخ تعاریف متعددی برای عرفان راستین و حقیقی وجود دارد در غیاب الغات آمده است که: عرفان به معنی شناختن و معرفت و حق تعالی است و به معنی شرم و حیا نیز آمده است [۳] علامه حسن زاده آملی معتقد است، عرفان علم انسان ساز است که در حقیقت عروج نفس به معرفت حق تعالی، و اعتلای آن به تعلق به اخلاف ربوبی و تادب به آداب الهی است. جامعه بی عرفان کالبد بی جان است. عرف اصیل اسلامی را منطق وحی اعنی قرآن مجید حائز است، و روایات صادره از وسائط فیض الهی که اهل بیت عصمت و طهارتند به منزله مرتبه نازل قرآند [۱] برخی معتقدند که عرفان برترین نوع معرفت نسبت به برترین حقیقت هستی است و به قول قدما اشرف موضوعات است [۱۰] نخستین چیزی که در هر عرفان و معنویت باید آن را جستجو کرد، دیدگاه، آن نحل عرفانی (درباره خداوند) است و به اعتقاد (عرفان اسلامی) گوهر عرفان، معرفت خداوند و پرستش اوست. عرفانی که در آن خداوند مطرح نباشد، کاذب و باطل است و یا تصویری که از خدا ارائه نمی دهد، درست نباشد، آن مکتب و یا معرفت و عرفان از مشکلی بنیادین رنج می برد. مکتب های مدعی عرفان وجود دارند که در آنها عرفان و معنویت سخن گفته می شود ولی خدا در آنها مطرح نیست که البته لازم به ذکر است تصور ما از خداوند چیست؟؟ [۱۶]

آنچه که امروزه برای ما نگران کننده و هشدار دهنده است سربر آوردن و ظهور کیش ها، سبک ها و فرقه های عرفانی گوناگون در مدل های متفاوت و رنگ و لعابی جذاب است که در ادامه به معرفی این نوع عرفان خواهیم پرداخت .
عرفان کاذب:

همه عرفان های دینی را لزوما نمیتوان عرفان حقیقی دانست، زیرا ممکن است این امر دستخوش تعریف یا جعل شده باشد، تصویری غیر واقعی از منبع و منشا هستی، خدای متعال ارائه دهد، در چنین دینی هرچند هدف نمایی شخص عارف وصول به خداست، اما خدایی که در آن دین مطرح است، خدایی غیر حقیقی و غیر واقعی است، بنابراین هدف عرفان برآمده از چنین دینی، عرفان غیر حقیقی نیز خواهد بود. بعنوان مثال عرفان یهودی یا عرفان کابالا، هرچند برآمده از آیین یهود است، اما بدلیل تحریفی بودن آیین یهودیت، عرفان آن نیز نمی تواند عرفان حقیقی باشد، همانطور که می دانید عرفان های کاذب به دو بخش عرفان های شرقی و عرفان های غربی تقسیم می شوند که از ویژگی های عرفان های شرقی این است که در آن عقلانیت و عدالت به چشم نمی خورد، همچنین معنویت است که در آن ظلم توجیه می شود و از ویژگی های عرفان های غربی این است که به ظاهر عقلانی است که



در آن عدالت وجود ندارد. [۱۶] بعضی از این عرفان‌های وارداتی از شرق آسیا وارد شده‌اند مانند: اوشو، دالایی لاما، کرشنیا مورتی، سای بابا، کاترین پاندر، وین دار، پائولو کوئیلو و حتی جریان شیطان پرستی و یا عرفان‌های وابسته به ادیان الهی مانند: عرفان مسیحیت و یا گروه‌های جدید مسیحیت مثل شاهدان یهوه، عرفان یهود یا حتی کابالا [۵] در عرفان‌های کاذب، دین یا به کلی از زندگی انسان رخت می‌بندد، و یا با تغییر در کارکردهای آن، دین در خدمت اهداف بشر و فلسفه اومانسیتی قرار می‌گیرد. جامعه شناسان دین خصوصیت کاهش دین و نقش آن در زندگی را، یکی از خطرات ویژگی‌های این عرفان‌ها عنوان کردند. عرفان‌های نوظهور (کاذب) فاقد شریعت و حقیقت هستند، فردی که عضوی از این عرفان‌ها است نمی‌داند که چکاری می‌کند و می‌خواهد به کجا برسد [۱۰]

بدلیل گرانبها بودن گوهر عرفان (حقیقی)، انواع کاذب و جعلی آن بسیار و در نتیجه، تشخیص عرفان حقیقی از عرفان کاذب و ناقص دشوار است از این رو بسوی بهره‌مندی از موهبت عرفان (حقیقی) و مصونیت از شبه‌عرفان‌ها و معنویت‌های جعلی، شناخت شاخصه‌های عرفان راستین، که همان عرفان ناب شیعی است، از ضروریات است [۱۶]. هم‌اکنون دهها فرقه و آیین معنوی و عرفانی خرد و کلان در سطح کشور ما به گونه‌های مختلف در حال فعالیت و عضوگیری‌اند. برخی از آنان به صورت زیرزمینی به فعالیت می‌پردازند برخی نیز در سطح تبلیغات مکتوب و با نفوذ در رسانه‌های ارتباطی به جان ایمان و معنویت مردم افتاده و می‌کوشند با نام عرفان و معنویت پیروان را به گرد خود جمع کنند و بهره‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خود را از آنان ببرند [۶]. جالب است بدانیم دنیای غرب گرایش عجیبی به سمت ادیان هندی پیدا کرده است و روانشناسی جدید گرایش شدیدی به سمت بورلیسم دارد. یوگا و مدیتیشن متاثر از ادیان هندی‌اند. همه اینها به این خاطر است که ادیان هندی خالی از شریعت و آیین‌اند و بیشتر متکی به مراقبه و تمرکز هستند و غربی‌ها که تعبد‌گریز هستند و نمی‌خواهند تن به انضباط‌های رفتاری بدهند به سمت ادیان هندی متمایل شده‌اند تا جایی که کتاب می‌نویسند. بودا بیش از آنکه یک پیامبر باشد، یک روانشناس است و همچنین بنا به تعبیر دکتر علی شریعتی، هند موزه‌ی ادیان ایرانی است و برجسته‌ترین احساس عرفانی در طول تاریخ - که در همه‌ی مذاهب و فرهنگ‌ها تاثیر گذاشته و حتی در مکاتب مادی اروپایی امروز نیز - رد پای در هند دارد. [۴] در حالت کلی می‌توان گفت عرفان‌های کاذب یا نوظهور هدفی جز مست کردن عقاید و منحرف کردن و به ابتدال کشاندن و فاسد کردن جوانان و جامعه ندارند و بدین منظور باید با مدعیان این عرفان‌ها برخورد حقیقت‌آزمایی و قاطع صورت گیرد و اساساً این غده سرطانی باید از دل جامعه کنده و در زباله‌دان تاریخ انداخته شوند [۲]. تا در روزگار فرج، آشتی انسان و طبیعت حادث شود و زمین تمام معادن خود را در اختیار انسان قرار دهد. شهادت:

واژه شهادت در فرهنگ لغت دهخدا مآخوذ از شهادة تازی، گواهی دادن، گواهی آمده است از طرفی در کتاب شهید و شهادت استاد مرتضی مطهری آمده است: فداکاری ویژه انسانها نیست، شهادت به مفهوم گسترده (جان‌نثاری) ویژه مکاتب مذهبی و ادیان نیست. شهادت به مفهوم بسته آن ویژه اسلام و حتی تشیع نیست. ولی اسلام، مخصوصاً، تشیع از ابتدا اهمیت فراوانی برای شهادت در استوار کردن و دفاع از حق و حقیقت قایل شد. بسیاری از صحابه و بستگان



پيامبر و تمام پيشوايان بلافضل تشيع به درجه رفيع شهادت در راه تأمين اين هدف نایل آمدند در حدیثی آمده است: «تمام ما (ائمه) یا مسموم شدیم و یامقتول».

شهادت نقش بسیار حساسی در تاریخ اسلام و تاریخ امت مسلمان داراست. این مطلب از ابتدای ظهور اسلام تا زمان معاصر صادق است. شاید به این جهت بوده است که بسیاری از اسلام شناسان غیر مسلمانان، به علت تشویق اسلام به جهاد با جان و نفس برای برقراری و دفاع از حق و حقیقت و به علت علاقه فراوان مسلمانان برای استقرار عدل و ریشه کنی ظلم و به علت فداکاریهای همه جانبه رهبران اسلامی و امت مسلمان در تفهیم اسلام و بر پایی صلح واقعی، مسلمانان را فناتیک، بنیادگرا و اسلام را دین شمشیر معرفی کرده اند. به هر صورت، شهادت مانند مسایل دیگر اسلامی بر اصول ایدئولوژیکی اسلامی استوار است و اعتبار آن را می توان از قرآن و سنت اسلامی به دست آورد. در درجه اول، اسلام، از ریشه س ل م (سلم) به معنی صلح و تسلیم است. تسلیم کامل و همه جانبه در برابر تمام حقیقت (الله) و آمادگی برای هر گونه فداکاری دراستقرار حاکمیت این حقیقت. بنابراین، شهادت اعتبار و ارزش اساسی خود را مدیون اصل اساسی توحید است. در درجه دوم، شهادت عبارت است از جان نثاری بر اساس جهاد و مبارزه. [۲]

مفهوم شناسی تحلیلی "انتظار" از منظر شهید مطهری

شهید مطهری از منظر نگارندگان این مقاله بعنوان یک جامعه شناس انتظار شناخته میشود ایشان در معنای انتظار اینطور شرح میدهد: انتظار ظهور یعنی چه؟ «افضل الاعمال انتظار الفرج» یعنی چه؟ بعضی خیال می کنند اینکه افضل اعمال انتظار فرج است، به این معناست که انتظار داشته باشیم امام مهدی (عج) با عده ای که خواص اصحابشان هستند یعنی سیصد و سیزده نفر و عده ای غیر خواص ظهور کنند، بعد دشمنان اسلام را از روی زمین بردارند، امنیت و رفاه و آزادی کامل را برقرار کنند، آن وقت به ما بگویند بفرمایید! ما انتظار چنین فرجی را داریم و می گوییم افضل اعمال هم انتظار فرج است! (یعنی بگیر و ببند، بده به دست من پهلوان!) نه، انتظار فرج داشتن یعنی انتظار در رکاب امام بودن و جنگیدن و احیانا شهید شدن، یعنی آرزوی واقعی و حقیقی مجاهد بودن در راه حق، نه آرزوی اینکه تو برو کارها را انجام بده، بعد که همه کارها انجام شد و نوبت استفاده و بهره گیری شد آن وقت من می آیم!.

انتظار فرج داشتن یعنی واقعا در نیت ما این باشد که در رکاب امام زمان (عج) و در خدمت ایشان دنیا را اصلاح کنیم. در زیارت امام حسین (ع) می گوئیم: «یا لیتنا کنا معک فنغوز فوزا عظیما» (که یک ورد شده برای ما و به معنای آن هم توجه نمی کنیم) یا ابا عبدالله! ای کاش ما با تو بودیم و رستگاری عظیم پیدا می کردیم بلکه معنایش این است که ای کاش ما در خدمت تو بودیم و شهید می شدیم و از راه شهادت رستگاری عظیم پیدا می کردیم. آیا این ادعای ما از روی حقیقت است؟ افرادی هستند که از روی حقیقت ادعا می کنند ولی اکثر ما که در زیارتنامه ها می خوانیم، لقلقه زبان است! همچنین این اسلام شناس، دو نحوه انتظار را مطرح میکند و در کتاب قیام و انقلاب مهدی (عج) مینویسد: فرج و آرزو و امید و دل بستن به آینده دو گونه است: اول انتظاری که سازنده و نگهدارنده است، تعهد آور است، نیرو آفرین و تحرک بخش است، به گونه ای است که می تواند نوعی عبادت و حق پرستی شمرده شود، و دیگری انتظاری که گناه است، ویرانگر است اسارت بخش است، فلج کننده است و نوعی "اباحیگری" باید محسوب گردد.

شهادت، انتظار؛ منجیان بشریت

کلمه شهید و مشتقات دیگر از ریشه شه ه د، در حدود پنجاه بار در قرآن به کار رفته است. در اکثر این موارد، این کلمه در معانی متفاوت به معنای گواه، نمونه و ناظر به کار رفته است. از آن جا که رابطه بین شهید و شهادت، به



معنای اصطلاحی و جهاد و مجاهد در اسلام و قرآن بسیار روشن است، لازم است یادآوری شود که کلمه جهاد ومشتقات دیگر (ج ه د) در قرآن در حدود چهل بار به کار رفته است. مجدداً، در اکثر این موارد، این کلمه در معانی متفاوت کوشش و مبارزه به کار رفته است. کلمه جهاد نیز مانند کلمه شهادت، با مرور زمان به صورت اصطلاح دینی درآمد (منقول شرعی) یعنی با این که دو کلمه جهاد و شهادت در معنای متفاوت لغوی به کار می روند، همزمان به صورت اصطلاح ویژه دینی نیز به کار می روند. به هر صورت، شهادت در معنای لغوی قرآنی عبارت است: «از دیدن، گواهی دادن و نمونه و الگو سازی. معنای شهید کسی است که می بیند، گواهی می دهد و نمونه می شود». از آن جا که رابطه بین معنای لغوی و اصطلاحی در اصطلاحات و منقولات شرعی و دینی همیشه مراعات می شود، به نظر می رسد که شهید حقیقت را می بیند و مشاهده می کند و با جهاد و زندگی خود به آن گواهی می دهد و با شهادت و جان نثاری خود الگو می شود و برای امت سرمشق و نمونه کامل انسان حقیقت شناس می شود. کلمه شهادت و شهید در قرآن به معنای اصطلاحی به کار نرفته است. کلمه ای که در قرآن در معنی شهادت و شهید به معنای اصطلاحی به کار رفته است، قتل و مقتول فی سبیل الله است. (کشته در راه خدا). شاید علت این است که قرآن نخواست است شهادت و شهید را تنها در مبارزه منتهی به مرگ به کار برد [۷]

شهید مطهری می فرماید: اصل انتظار فرج از یک اصل کلی اسلامی و قرآنی دیگر استنتاج می شود و آن اصل "حرمت یأس از روح الله" است. مردم مؤمن به عنایات الهی، هرگز و در هیچ شرایطی امید خویش را از دست نمی دهند و تسلیم یأس و ناامیدی و بیهوده گرایی نمی گردند. چیزی که هست این انتظار فرج و این عدم یأس از روح الله در مورد یک عنایت عمومی و بشری است، نه شخصی یا گروهی و به علاوه، توأم است با نویدهای خاص و مشخص که به آن قطعیت داده است. [۱۲]

شهادت ؛ روحی در کالبد انسان منتظر

در عرف عام، یعنی عرف عموم مردم جهان اعم از مسلمان و غیر مسلمان، و در عرف خاص مسلمانان، برخی کلمات و واژه ها از نوعی عظمت و احترام و احیانا "قداست" برخوردار دارند. کلمات: "عالم، فیلسوف، مخترع، قهرمان، مصلح، مجتهد، استاد، دانشجو، عابد، زاهد، مؤمن، مجاهد، مهاجر، صدیق، آمر به معروف، ولی، امام، نبی"، از این قبیل کلماتند که بعضی در عرف عام و برخی در عرف خاص مسلمین و در زبان اسلام توأم با نوعی عظمت و احترام و احیانا قداست می باشند.

در اسلام واژه ای است که قداست خاصی دارد، اگر کسی با مفاهیم اسلامی آشنا باشد و در عرف خاص اسلامی این کلمه را تلقی کند احساس می کند که هاله ای از نور این کلمه را فرا گرفته است و آن، کلمه "شهید" است. این کلمه در همه عرفها توأم با قداست و عظمت است، چیزی که هست معیارها و ملاک ها متفاوت است. ما فعلاً به مفهوم غیر اسلامی آن کاری نداریم. از نظر اسلام، هر کس به مقام و درجه "شهادت" نائل آید که اسلام با معیارهای خاص خودش او را شهید بشناسد، یعنی واقعا در راه هدفهای عالی اسلامی، به انگیزه برقراری ارزشهای واقعی بشری کشته بشود به یکی از عالی ترین و راقی ترین درجات و مراتبی که یک انسان ممکن است در سیر صعودی خود نائل شود نائل می



گردد. از نوع تعبیر و برداشت قرآن درباره شهدا و از تعبیراتی که در احادیث و روایات اسلامی در این زمینه وارد شده است می توان منطق اسلام را شناخت و علت قداست یافتن این کلمه را در عرف مسلمانان دریافت.^۲

در اسلام وقتی که می خواهند مقام کسی یا کاری را بالا ببرند می گویند مقام فلان شخص برابر است با مقام شهید و یا فلان کار اجرش برابر است با اجر شهید، مثلا درباره طالب علم، اگر واقعا انگیزه اش حقیقت جوئی و خدمت و تقرب به خدا باشد و علم را وسیله مطامع خود قرار ندهد، می گویند اگر کسی طالب علم باشد و در خلال دانشجویی و طلبگی بمیرد "شهید" از دنیا رفته است. این تعبیر قداست و علو مقام طالب علم را می رساند. [۱۲] اگر بخواهیم تاثیر شهید برای انسان منتظر را درک کنیم باید گفت جامعه شناس انتظاری چون شهید مطهری است که میتواند در مقام یک اسلام شناس بهترین تحلیل و تبیین را ارائه دهد که از منظر این بزرگوار، انقلاب حضرت مهدی (عج) تحولی عظیم در تاریخ بشر است. در خصوص تحولات تاریخی، دو نوع بینش وجود دارد که بر اساس هر یک، انتظار، معنای خاصی می یابد. یک دیدگاه این است که تحولات تاریخی ضابطه مند نیست یا اگر ضابطه مند است، اراده انسانی در آن نقشی ندارد و بر روند تاریخ، جبری حاکم است. کسی که معتقد باشد تحولات تاریخی ضابطه مند نیست، باید قائل شود به این که این تحولات قابل شناختن نیستند؛ پس قیام مهدی (عج) را هم نمی توان تحلیل کرد؛ آن گاه انتظار، یعنی منتظر یک حادثه عجیب و غریب ماندن و کاری نکردن تا بلکه دستی از غیب برون آید و کاری بکند.

این جا است که باب تأویلات نادرست در خصوص احادیث ظهور، باز می شود و حتی برخی خواهند گفت: چون جهان باید پر از ستم شود تا مهدی بیاید، پس ما هم به رواج ظلم کمک کنیم. کسی هم که قائل باشد تحولات، ضابطه مندند، اما اراده انسانی در آن ها نقشی ندارد نیز چاره ای ندارد جز این که بگوید: کاری نمی توان کرد و یگانه کار، حرکت در همین سیر جبری است و باز هم در این منطق، اصلاحات مردود است.

بر اساس هر دو رویکرد این دیدگاه، قیام مهدی صرفا ماهیت انفجاری دارد و فقط و فقط از گسترش و اشاعه ستم ها و تبعیض ها ناشی می شود؛ آن گاه که صلاح به نقطه صفر برسد، حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد و باطل یکه تاز میدان شود، این انفجار رخ می دهد و دست غیب برای نجات حقیقت (نه اهل حقیقت، زیرا حقیقت طرفداری ندارد) از آستین بیرون می آید.

دیدگاه دوم آن است که تحولات تاریخی ضابطه مندند و اراده انسانی در آن ها نقش دارند که در این دیدگاه نیز دو گونه تصویر وجود دارد. یک تصویر اگزستانسیالیستی است که در این تصویر، اراده انسان نقش بسیار مهمی دارد؛ اما هدفی ورای انسان قائل نیست و معتقد است که خود انسان باید هدف برای خود بیافریند. در واقع از دید آن ها، پذیرش هر هدفی ورای انسان و حرکت انسان به سمت آن هدف مستلزم از خود بیگانگی است؛ پس از پیش نباید هیچ هدفی را برای انسان قائل شد؛ بلکه هر کسی هر هدفی دلش می خواهد برای خود برگزیند و به سمت آن حرکت کند؛ اما اشکالات این تصویر اگر بیش تر از دیدگاه قبل نباشد، کم تر نیست. در این تصویر انتظار به معنای اعتراض همیشگی به هر وضعی است و مستلزم اصالت انقلاب است؛ یعنی اگر هیچ هدف خاص و معینی قبول نشود، آن گاه به

^۲ قرآن کریم در مورد به حق پیوستگی شهید می فرماید: «و لا تحسین الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم يرزقون»؛ (آل عمران/۱۶۹)؛ «گمان مبر آنان را که در راه حق شهید شده اند مرده اند، خیر، آنها زندگانی هستند "نزد" پروردگارشان، و منتعم به انعامات او».



هر حالتی انسان باید معترض باشد و هیچ هدفی را که عده ای پذیرفته اند نپذیرد؛ زیرا دیگر انتظار به پایان خواهد رسید.

در تصویر دوم از دیدگاه باید گفت: درست است که اراده انسانی نقش مهمی در تحولات تاریخی دارد؛ اما با توجه به اصالت فطرت و جهت گیری واقعی درون انسان به سمت هدف واقعی، این انتظار معنای خاصی می یابد و آن اولاً قبول این است که حق از باطل قابل تشخیص است و ثانیاً وظیفه اصلی منتظر تقویت دائم جبهه حق و تلاش برای مشخص تر کردن مرز حق و باطل برای به ثمر رسیدن آن نبرد عظیم جهانی خواهد بود. بدین معنا، انتظار، هم به لحاظ فردی و هم به لحاظ اجتماعی نه تنها حالت سلبی نیست، بلکه فعل ایجابی است که بر تمام افعال ما سایه می افکند و بدین سبب، افضل اعمال شمرده شده است. به لحاظ فردی کسی می تواند واقعا منتظر حکومت عدل باشد و آرزوی عدالت جهانی را در سر بپروراند که خودش با عدل خو گرفته باشد و مزاجش با عدل سازگار باشد.

کسی می تواند منتظر عدل جهانی باشد که عدل را دوست داشته باشد و کسی که عدل را دوست داشته باشد، در درجه اول خودش اهل عدل خواهد بود و این است که گفته اند: منتظران مصلح، خود، باید صالح باشند. به لحاظ اجتماعی نیز هر حرکت اصلاحی که در جهت پیروزی حق باشد، وظیفه منتظران است؛ پس اصلاحات جزئی و تدریجی نه تنها محکوم نیست، بلکه به نوبه خود، آهنگ حرکت تاریخ را به سود اهل حق تند می نماید و بر عکس، فسادها، تباهی ها و فسق و فجورها کمک به نیروی مقابل است و آهنگ حرکت تاریخ را به زیان اهل حق کند می کند؛ بنابراین در این بینش آن چه باید رخ دهد، از قبیل رسیدن یک میوه بر شاخه درخت است نه از قبیل انفجار یک دیگ بخار. درخت هر چه بهتر از نظر آبیاری و ... مراقبت گردد و هر چه بیش تر با آفاتش مبارزه شود، میوه بهتر و سالم تر و احیانا زودتر تحویل می دهد. بدین معنا، وظیفه کلی ما در برابر مسئله جهانی شدن نیز روشن می شود. بدین صورت است که باید گفت انسان منتظر دارای مسئولیت هایی حساس و مهم است که کوچکترین اشتباه آن نیز او را از عدل و جهانی شدن دینی و انتظار مهدوی دور میکند و آنچه که نیاز است در مورد آن بعنوان ناجی بحث به میان بیاید روحیه ی والای شهادت است که چون ستاره ای درخشان نیز در آسمان جهان اسلام می درخشد. [۱۴][۱۲]

کربلا؛ آیینی ی تمام نمای ایثار در جامعه منتظر

یکی از تکالیف عمده دینی، امر به معروف و نهی از منکر است. با این دو عمل است که احکام و فرایض الهی برقرار می ماند، و جامعه دینی از انحراف می رهد. همچنین می دانیم که رضا و خشنودی مهدی «ع» در آن است که «معروف» عملی شود، و «منکر» ترک گردد. بنابراین، انسان منتظر، نمی تواند در این باره بی تفاوت باشد.

بزرگترین فیلسوف اخلاق اسلامی، شهید مطهری در اثر فلسفه اخلاقی مینویسد: بزرگترین امر کننده به معروف و نهی از منکر کننده از منکر در روزگار ظهور، خود مهدی «ع» است. پس چگونه ممکن است که جامعه منتظر، خشنودی مهدی را نخواستند و در این بعد به مهدی اقتداد نکنند، و به او تشبه نجوید؟ در حدیثی که کمی پیشتر نقل شد، پیامبر اکرم قید فرمود که حال آن کسان خوش است که در غیاب مهدی نیز به او اقتداد کنند «طوبی لمن ادرک قالم اهل بیتی، و هو مقتد به، قبل قیامه» و شاخص مهم این اقتداد، امر به معروف و نهی از منکر کردن، خروش داری برای اقامه احکام خدایی است. این امر باید مشخصه عمده انتظار باشد، و سیمای آشکار جامعه منتظر و همانطور که اجرای این امر مقدس را در کربلا مشاهده کردیم کربلایی که در آن لحظات آخر را اباعبدالله طی می کردند. آن جا که حضرت افتاده بودند، چون زمین پایینی بود اسمش را گذاشته اند «گودال قتلگاه» که وقتی حضرت اندکی از آن دور می شدند، اهل



بیت ایشان را نمی دیدند و از حالشان آگاه نبودند. نگارندگان مقاله معتقدند که به جرات میتوان گفت «گودال قتلگاه» دیروز کربلای حسین؛ «جولانگاه عرفانهای کاذب» امروزند.

و تنها گوشه ای از ایثار در کربلای حسینی هجوم آوردن لشکر دشمن به طرف حرم اباعبدالله بوده است و حضرت احساس کرد، با زحمت روی کنده های زانو بپا ایستاده، ظاهراً با تکیه دادن به شمشیر خودش، فریاد مردانه اش در آن وادی بلند شد (آنجا هم دم از غیرت و حریت می زند): ویلکم یا شیعه آل ابی سفیان! با من می جنگید و من با شما می جنگم؛ زن و بچه چه تقصیری دارند؟! کونوا احراراً فی دنیاکم؛ اگر خدا را نمی شناسید، اگر به معاد ایمان ندارید، آن شرفی که یک انسان باید داشته باشد کجا رفت؟! حریت و آزادیتان کجا رفت؟! [۱۳]

و آنچه پاداش ایثار است را میتوان در این کلام یافت: امام حسین (ع) فرمود: «جدم به من فرموده است که تو درجه ای در نزد خدا داری که جز با شهادت به آن درجه نائل نخواهی شد.» پس شهادت امام حسین برای خود او یک ارتقاء است و عالی ترین حد تکامل است [۱۲]

بدین ترتیب است درسهای کربلا را باید برای جامعه ی منتظر یک درسی فراموش ناشدنی دانست و باید با تمام قوا در عرصه ی عمل آنها را بکار برد.

نتیجه گیری:

فرهنگ انتظار به انسان چنان نظامی می دهد که او می تواند در امور جامعه مشارکت داشته باشد. انسان با اتکا به این فرهنگ دارای شخصیتی نظام یافته می شود. می توان دریافت که این فرهنگ در تکوین و شکل بندی شخصیت و هویت اجتماعی افراد جامعه سهیم است. "توجه به مبدأ هستی و قبول انتظام در خلقت و توسل به حقیقت مطلق و عدم تمسک به غیر نیروی خالق و تقاضای هدایت همه و همه اعتماد به نفسی را در پی دارد که از ضروری ترین لوازم سلامت روح و روان است."

در این صورت سلامت روحی و فکری در جامعه حاصل می شود و این سلامت، انسان منتظر را به نیکی سوق خواهد داد و از بدی دور می کند. با توجه به این که سلامت یک فرد در گرو سلامت فرهنگ آن جامعه است شایسته است به عوامل موثر در ایجاد سلامت توجه شود و شایسته است که در تبیین مساله فرج در جامعه کوشا باشیم و مواضع صریح ظهور منجی را بررسی نماییم و با زبانی ساده و رسا و با اتکا بر جنبه استدلالی این موضوع به دنبال راه های ارتباطی جامعه با این مهم شویم و دیگر آن که به تقویت نهاد خانواده بپردازیم از آن جهت که نخستین مجرای ارتباطی فرد با جامعه از طریق خانواده است و هر چه این پل ارتباطی مستحکم تر باشد در جامعه راه های ارتباطی سهل تر به مقصود می رسند.

منابع

- [۱] حسن زاده آملی، حسن (۱۳۰۷) هزاریک کلمه، جلد دوم، قم: موسسه بوستان کتاب.
- [۲] حمزه نژاد، امیر. نشریه یالثرات الحسین (ع)، "غلف های هرزی که دوباره رشد می کنند: لزوم برخورد قاطع برای ریشه کنی جرائم سازمان یافته.
- [۳] رامپوری، غیاث الدین، غیاث الغات، انتشارات امیرکبیر،



- [۴] شریعتی، علی؛ جامعه شناسی ادیان (مجموعه سخنرانی‌ها در حسینیه ارشاد)، ۱۳۵۶، ص ۱۱۶
- [۵] شریفی دوست، حمزه؛ روزنامه کیهان، "عرفان‌های نوظهور و مسئله جنگ".
- [۶] شریفی، احمد حسین (۱۳۸۷) درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب/، قم: صهبای یقین، چاپ هشتم.
- [۷] عزتی، ابوالفضل؛ مقایسه بین مفهوم شهادت در مسیحیت و اسلام، حوزه علمیه، حوزه، مهر و آبان ۱۳۷۱، شماره ۵۲
- [۸] فعالی، محمد تقی، سلسه سخنرانی‌های در دانشگاه تهران با موضوع "عرفانهای التقاط".
- [۹] فعالی، محمد تقی (۱۳۸۶) آفتاب و سایه‌ها، نگرشی بر جریان‌های نوظهور معنویت‌گرا، نشر نجم الهدی، چاپ اول، تهران.
- [۱۰] فنائی اشکوری، محمد، نشریه: شیعه شناسی، "شاخصه‌های عرفان ناب شیعی"، شماره ۳۳.
- [۱۱] کاویانی، نسیم (۱۳۹۰) "بررسی علل جامعه‌شناختی گرایش زنان به معنویت‌های جدید (مطالعه موردی شهرستان گرگان)، دکتر احمد رضایی، بابلسر: دانشگاه مازندران.
- [۱۲] مطهری، مرتضی، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه، انتشارات صدرا
- [۱۳] مرتضی، مطهری، فلسفه اخلاق، انتشارات صدرا
- [۱۴] مرتضی مطهری - تکامل اجتماعی انسان، انتشارات صدرا موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت.
- [۱۵] مظاهری سیف، حمیدرضا (۱۳۸۸)، "جریان‌شناسی انتقادی عرفانهای نوظهور"، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- [۱۶] نشریه فرهنگ آشتی، "عرفان‌های نوظهور (کاذب) و ویژگی‌های آن"، شماره ۲۲۵۲.